

**Mission of Kurdistan: Investigating the Activities of  
American Lutheran Missionaries in Saujblag Mukri  
(1911-1937 AD/ 1290-1937 SH)  
(Based on the Contents of *Kurdistan Journal*)**

**Kamran Sanaee\***

**Hossein Rasouli\*\***

**Abstract**

The settlement of Christian and Jewish religious minorities in Kurdistan, as well as the necessity of missionary activities among the Kurds and efforts to promote Christianity among them, made the missionary associations pay a special attention to Kurdish areas from the very beginning. Mukri province, located in the city of Savojbalag (the present Mahabad), one of the Kurdish-inhabited provinces of Iran, located in the south of Lake Urmia, was one of the areas that was the focus of various missionary groups during the Qajar era. The American Lutheran Christian Mission known as the “Kurdistan Mission” was one of the most active missionary groups that started extensive activities in the city of Savojblag during the Qajar and early Pahlavi periods. The current study aims to provide an answer in a descriptive-analytical way to this question: What actions and for what purpose did the Kurdistan Mission carry out in Savojbalag during its different periods of activity and what was the reaction of the residents towards their presence and activities? The findings of this study show that the city of Savojblag because of its border situation, commercial location and the residence of religious minorities and foreigners there was very

\* Master in History of Iran in Islamic period, Urmia University, sanaekamran@yahoo.com

\*\* PHD Graduate in History of Iran in Islamic Period, Tabriz University (Corresponding Author),  
hosseinrasouli57@yahoo.com

Date received: 2022/07/12, Date of acceptance: 2022/11/21



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

important for the American missionaries, and during the three periods of their presence in that city, they carried out cultural, medical and service activities in that city in order to pave the way for their missionary activities.

**Keywords:** The Mission of Kurdistan, American Missionaries, Savojblag Mukri, Christianity Propagation, Foreign Schools, Medical Activities.

## مسیون کردستان: بررسی فعالیت میسیونرهای لوتری آمریکا در ساوجبلاغ مکری (۱۹۱۱-۱۹۳۷ م / ۱۲۹۰-۱۳۱۶ ش) (با تکیه بر مطالب ماهنامه کردستان میسنری)

\* کامران ثنائی\*

\*\* حسین رسولی\*\*

### چکیده

مسیونرهای لوتری آمریکایی از جمله گروه‌های میسیونری مسیحی بودند که در دوران قاجار در نقاط مختلف ایران شروع به فعالیت کردند. سکونت اقلیت‌های مذهبی مسیحی و یهودی در کردستان و هم‌چنین ضرورت فعالیت‌های تبلیغی در میان کردها و تلاش برای ترویج دین مسیحیت در میان آن‌ها باعث شد تا از همان ابتدا انجمن‌های میسیونری توجه ویژه‌ای به مناطق کردنشین داشته باشند. ولایت مکری به مرکزیت شهر ساوجبلاغ (مهاباد کنونی) یکی از ولایات کردنشین ایران، واقع در جنوب دریاچه ارومیه، از جمله مناطقی بود که در دوران قاجار مورد توجه گروه‌های مختلف میسیونری قرار گرفت. میسیون مسیحی لوتری آمریکایی موسوم به «مسیون کردستان» از جمله فعال‌ترین گروه‌های تبلیغی‌ای بود که فعالیت‌های گسترده‌ای را در شهر ساوجبلاغ در دوران قاجار و اوایل پهلوی آغاز کرد. پژوهش حاضر بر آن است تا به شیوه توصیفی - تحلیلی به این پرسش پاسخ دهد که میسیون کردستان در دوره‌های مختلف فعالیت خویش در ساوجبلاغ چه اقداماتی را و با چه اهدافی انجام داده و واکنش اهالی به حضور و فعالیت‌های آن‌ها چه

\* کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه ارومیه، sanaeekamran@yahoo.com

\*\* دانش آموخته دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول)

hosseinrasouli57@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۳۰



بوده است؟ یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده آن است که شهر ساوجبلاغ به‌علت موقعیت مرزی، تجاری، و سکونت اقلیت‌های مذهبی و اتباع خارجی در آن‌جا اهمیت بسیاری برای مسیونرهای آمریکایی داشته است و آن‌ها در طی سه دوره حضورشان به‌منظور تسهیل فعالیت‌های تبلیغی اقدامات فرهنگی و پزشکی را در آن شهر انجام داده‌اند. هرچند در ابتدا حضور مسیونرهای آمریکایی با واکنش منفی اهالی روبه‌رو شد، به‌مرور زمان و با گسترش اقدامات بهداشتی و خدماتی از میزان مخالفت‌ها کاسته شد.

**کلیدواژه‌ها:** مسیون کردستان، مسیونرهای آمریکایی، ساوجبلاغ مگری، تبلیغ مسیحیت، مدارس خارجی، فعالیت‌های پزشکی.

## ۱. مقدمه

فعالیت مبلغان مذهبی مسیحی در ایران، که پس از سقوط صفویان کاهش یافته بود، در دوران حکومت قاجار دوباره اوج گرفت. عواملی چون ضعف‌های سیاسی و اقتصادی جامعه قاجار، گسترش روابط ایران با اروپاییان، برقراری دوره‌ای از آرامش نسبی، تسهیلات و حمایت‌هایی که برخی از رجال و شاهزادگان قاجاری برای حضور اروپاییان در ایران فراهم کرده بودند، و هم‌چنین حضور اقلیت‌های قومی و مذهبی در ایران زمینه مناسبی را برای فعالیت‌های مسیونرهای اروپایی در ایران فراهم ساخت. مسیونرهایی که در آن دوران به ایران اعزام می‌شدند عمدتاً از کشورهای انگلیس، آمریکا، فرانسه، و آلمان بودند.

ولایت مگری<sup>۱</sup> به مرکزیت شهر ساوجبلاغ (مهاباد کنونی) یکی از ولایات کردنشین ایران واقع در جنوب دریاچه ارومیه از جمله مناطقی بود که شماری از اقلیت‌های مسیحی و یهودی در آن زندگی می‌کردند. موقعیت سرحدی آن ولایت و قراردادش شهر ساوجبلاغ در نقطه تقاطع راه‌های تجاری شمال غرب باعث شکوفایی نسبی آن شهر در دوره قاجار شده بود. به همین دلیل، در دوران قاجار گروه‌های مسیونری مختلفی از جمله مسیونرهای کلیسای کاتولیک فرانسه، مسیون پرسبیتی کلیسای پروتستان آمریکا، مسیون لوتری کلیسای پوتسدام آلمان، و مسیون مسیحی لوتری آمریکا فعالیت تبلیغی را در آن منطقه آغاز کردند. به‌استثنای مسیون مسیحی لوتری آمریکا فعالیت سایر گروه‌های مذکور چندان زیاد نبود و بیش‌تر به اجرای مراسم مذهبی برای مسیحیان ساکن ساوجبلاغ محدود بود. در این پژوهش، سعی بر آن است تا فعالیت‌های مسیونرهای لوتری آمریکایی در ساوجبلاغ در سه دوره متفاوت حضورشان بررسی شود و به دلایل اهمیت ساوجبلاغ برای هیئت‌های

تبشیری، چرایی و چگونگی حضور مبلغان مذهبی در آن شهر، و واکنش‌های محلی به حضور و عملکرد آن‌ها اشاره شود.

درباره پیشینه پژوهش باید گفت که هرچند در برخی از منابع و پژوهش‌ها از جمله تاریخ میسیون آمریکایی در ایران نوشته جان الدر (John Elder) (۱۳۳۳)، «زمینه‌ها و علل تأسیس آموزشگاه توسط میسیونرهای آمریکایی برای مسلمانان ارومیه در سال ۱۸۴۰ م» به قلم موسی خاموشی و حمید حاجیان‌پور (۱۳۹۵)، «کوشش میسیونرهای آمریکایی برای جذب نستوری‌ها» از حسین احمدی (۱۳۸۷)، «آشنایی ایرانیان با جایگاه زنان در جامعه آمریکایی از ره‌گذر مطبوعات و مدارس میسنوری در دوره قاجاریه» به قلم فرشته جهانی و علیرضا ملایی توانی (۱۴۰۰)، «بیمارستان و مدرسه پرستاری میسیونرهای آمریکایی مشهد» نوشته محمدکاظم رادمنش (۱۳۸۸)، و «مبلغان مسیحی در ایران؛ از صفویه تا انقلاب اسلامی» به قلم ویدا همراز (۱۳۹۱) اطلاعات خوبی در مورد فعالیت میسیونرهای آمریکایی در نقاط مختلف ایران وجود دارد، در آثار مذکور هیچ‌گونه اشاره‌ای به فعالیت آن‌ها در ولایت مکرری نشده است. در کتاب *مبلغان آلمانی در ایران* والد بورگر (Waldburger) نیز اطلاعات مفیدی در مورد فعالیت‌های میسیونرهای انجمن بازل در برخی از مناطق کردنشین از جمله روستاهای کردنشین شهر ارومیه و هم‌چنین جنوب شهر تبریز وجود دارد، اما در این کتاب نیز در مورد فعالیت‌های میسنوری در ولایت مکرری هیچ سخنی به میان نیامده است. برخلاف انتظار، با وجود حضور طولانی مدت میسیونرهای مسیحی در شهر ساوجبلاغ در منابع منطقه‌ای مرتبط با تاریخ محلی ساوجبلاغ نظیر *تاریخ مهاباد* نوشته سیدمحمد صمدی (۱۳۷۳) و *ساوجبلاغ مکرری* (مهاباد) اثر فریدون حکیم‌زاده (۱۳۸۹) به‌غیر از برخی از اشارات جزئی مطالب چندانی در مورد فعالیت‌های میسیونرها وجود ندارد. کمبود منابع به زبان فارسی در مورد فعالیت میسیونرهای مسیحی در ساوجبلاغ مکرری یکی از عواملی است که باعث شده است تا برخلاف شهرهایی چون ارومیه، تبریز، اصفهان، و... پژوهش‌گران و نویسندگان کتاب‌های تاریخ محلی کم‌تر به این موضوع بپردازند.

خوش‌بختانه میسیونرهای لوتری آمریکا به‌منظور جلب کمک‌های مردمی و هم‌چنین آگاه‌ساختن اعضا و خیران مسیحی از اقدامات میسیونرهایی که در ساوجبلاغ مکرری فعالیت می‌کردند، یک ماه‌نامه به نام *کردستان میسنری* (*The Kurdistan Missionary*) را در آمریکا به‌چاپ رسانده‌اند. اولین شماره این ماه‌نامه در اکتبر ۱۹۱۰/شوال ۱۳۲۸ منتشر شد. از طریق پی‌گیری مطالب این ماه‌نامه می‌توان به فعالیت‌های میسیون کردستان پی برد. امیر حسن‌پور

بیش تر شماره‌های این ماهنامه را در آمریکا جمع‌آوری و حسن قاضی مطالب مرتبط با مکریان آن ماهنامه را به زبان کردی ترجمه کرده است.<sup>۲</sup> هم‌چنین، حسن قاضی با هم‌راهی گوران مامه‌خانی، مستندی پانزده‌قسمتی را (هر قسمت ۴۵ دقیقه) به نام میسیون کردستان درباره فعالیت‌های این میسیون در ساوجبلاغ تهیه کرده است و در برخی از شبکه‌های اجتماعی انتشار داده است. در این پژوهش تلاش شده است تا با تکیه بر مطالب ماهنامه کردستان میسنری و برخی دیگر از منابع آرشیوی و غیرآرشیوی در ابعاد وسیع‌تری اهداف، عملکردها، و نیز واکنش‌ها به هیئت میسیونرهای آمریکایی در ساوجبلاغ مکری بررسی و تاحدودی خلأ اطلاعات موجود در مورد این موضوع به زبان فارسی پر شود.

## ۲. اقلیت‌های دینی ولایت مکری

ولایت مکری در طول زمان محل سکونت شماری از اقلیت‌های دینی یهودی و مسیحی بوده است که به‌صورت مسالمت‌آمیز در کنار ساکنان مسلمان آن منطقه زندگی کرده‌اند. این اقلیت‌ها امور دینی خود را به‌صورت جداگانه برگزار و آداب و رسومشان نیز تاندازه‌ای با دیگران متفاوت بود. عبدالرزاق اصفهانی در سال ۱۲۲۰ ق/ ۱۸۰۵ م از وجود چند خانوار یهودی و مسیحی در اشنویه خبر داده و اظهار کرده که هر سال در روز ششم ذی‌حجه مسیحیان شهرهای مختلف به‌هم‌راه مردم اشنویه در دیر شیخ ابراهیم در روستای بیمزرته گرد می‌آمدند و این روز را جشن می‌گرفتند (اصفهانی ۱۳۹۱: ۱۰۸). راولینسون نیز که در سال ۱۲۵۴ ق/ ۱۸۳۸ م از دیر شیخ ابراهیم دیدن کرده بود، آن زیارتگاه را مربوط به اسقف آبراهام از نستوریان دوره هولاکو خان مغول (۶۶۳-۶۱۵ ق) دانسته که برای اولین بار اشنویه را مرکز فعالیت‌های خود قرار داده بود. در هنگام بازدید راولینسون<sup>۳</sup> خانوار مسیحی در اشنویه و سی خانوار مسیحی و صد خانوار یهودی در ساوجبلاغ زندگی می‌کردند (Rawlinson 1840: 18-29). جمعیت مسیحی‌های ساوجبلاغ، که از فرقه نستوری و از پیروان مارشیمون بودند، در طول سه دهه ثابت مانده بود، چون در سال ۱۲۳۴ ق/ ۱۸۱۹ م نیز سی خانوار و در ۱۲۵۸ ق/ ۱۸۴۲ م هم در همین حدود در ساوجبلاغ حضور داشتند. در این دوره، برخی روستاها مانند تومتر و چم (بین اشنویه و ارومیه) و دارلک در ساوجبلاغ مسیحی‌نشین بودند. اسقف بزرگ این نستوریان در حکاری حضور داشت و هر سال تعدادی از مسیحیان رنج این راه طولانی را متحمل می‌شدند (Wagner 1856: 224).

در سال ۱۲۶۸ ق/ ۱۸۵۲ م در میان جمعیت ۲۹۲۷ خانواری سردشت ۲۵ خانوار یهودی زندگی می‌کردند. محل زندگی یهودیان در سردشت عبارت بود از: سردشت دوازده خانوار، بیتوش شش خانوار، ربط یک خانوار، هندآباد یک خانوار، پاراستان یک خانوار، ورگیل یک خانوار، نستان یک خانوار، نلاس یک خانوار، و ناحیه دارمه یک خانوار (خورشیدباشا ۲۰۰۸: ۳۱۶-۳۲۰). بیش‌تر یهودی‌های ولایت به کارهای تجاری می‌پرداختند. آن‌ها در روزهای شنبه دکان‌هایشان را بسته و از کسب‌وکار دست می‌کشیدند. در اوایل قرن چهاردهم هجری صد خانوار ارمنی در سلدوز، هشتاد خانوار در میان‌وآب، و شصت خانوار در ساوجبلاغ زندگی می‌کردند (کرزن ۱۳۸۰: ۶۹۵). به‌گفته‌ی اوبن (Aubin) یهودیان ولایت بیش‌تر به کارهای خرده‌فروشی و دوره‌گردی مشغول بودند و مسیحیان نیز به زراعت می‌پرداختند. آنان با آرامش خاطر در نواحی مختلف کردستان مگری زندگی می‌کردند. اوبن هم‌چنین به رفت‌وآمد و اقامت تعدادی از تاجران کلدانی و ژاکوئیت در شهر ساوجبلاغ اشاره کرده است (اوبن ۱۳۶۲: ۱۰۹، ۱۱۴). شایان ذکر است که به‌دلایلی چون تبدیل‌شدن ساوجبلاغ به کانون منازعات روسیه و عثمانی و قتل‌عام اهالی آن شهر توسط طرفین درطول جنگ جهانی اول و هم‌چنین قحطی فراگیر پس از پایان جنگ شمار اقلیت‌های مذهبی ساکن شهر ساوجبلاغ، همانند سایر ساکنان آن شهر، به نصف کاهش یافت.

### ۳. میسیون‌های مسیحی در ولایت مگری

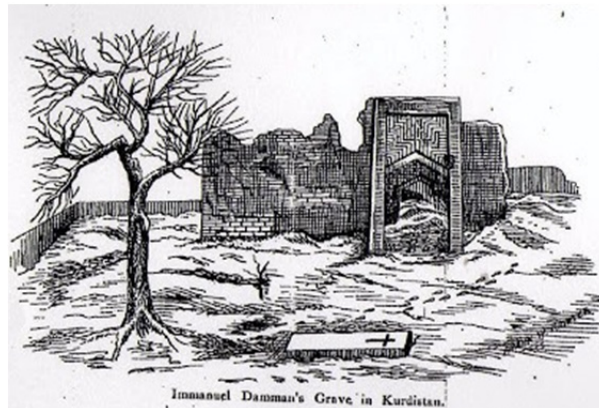
در نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم میلادی شمار زیادی از میسیونرهای مسیحی به‌منظور تبلیغ دین مسیح ره‌سپار کشورهای غیرمسیحی شدند. این میسیونرها هرکدام به یک گروه یا میسیونری تعلق داشتند و هدف اصلی آن‌ها ترویج دین مسیح و رساندن پیام آن دین به تمام بشریت بود. کانون توجه مبلغان مسیحی در هنگام ورود به ایران عمدتاً مناطق غیرمسلمان‌نشین بود؛ چراکه نه‌تنها احتمال رسیدن به اهدافشان در آن مناطق بیش‌تر بود، بلکه از مشکلات و ممنوعیت‌های تبلیغ در میان مسلمانان نیز به‌دور بودند. حضور اقلیت‌های مختلف مسیحی و یهودی در مناطق کردنشین و از جمله ولایت مگری این منطقه را مرکز مناسبی برای تبلیغ و تبشیر میسیونرها قرار داده بود. یکی از اولویت‌های اصلی میسیون بازل، به‌منزله‌ی اولین انجمن پروتستانی که فعالیت میسیونری خود را در ایران شروع کرد، تبلیغ در میان عشایر کرد بود. دولت انگلستان همواره انجمن مذکور را برای فعالیت‌های تبلیغی در میان کردها تشویق می‌کرد و از آن انجمن می‌خواست تا انجیل توسط یکی از میسیونرها به زبان کردی ترجمه

شود (والدبرگر ۱۳۷۹: ۹۴، ۹۵). کریستف فریدریش هاس (Christoph Friedrich Haas) میسیونر انجمن بازل، که ساکن تبریز بود، نیز حدس می‌زد که کردها بیش از ترک‌ها و سایر ایرانی‌ها قدرت راه‌یابی به مسیحیت را دارند؛ زیرا به نظر او آن‌ها «هیچ‌گونه حالت غیرطبیعی و تصورات غلط و کاذبی در فکر و قلب خود نداشتند و از یک احساس پاک مذهبی بهره‌مند بودند» (همان: ۱۴۱). در سال ۱۸۳۲ کمیته بازل تصمیم به آغاز فعالیت‌های میسیونری در میان کردها گرفت و کریستیان گوتلیپ هورنله (Cristian Gottlieb Hornle) را مأمور این کار کرد. او در مه ۱۸۳۴ از شوشی به تبریز رفت و در آنجا تلاش کرد تا زبان کردی را یاد بگیرد. هدف از یادگیری زبان کردی آماده‌شدن برای کار اصلی میسیونری نبود؛ زیرا در وهله اول وظیفه او این بود که از بین لهجه‌های مختلف کردی آن‌گوشی را که برای ترجمه انجیل مناسب‌ترین باشد انتخاب کند. هورنله در نوامبر ۱۸۳۵ برای کار میسیونری به کردستان عزیمت کرد. او به‌زودی متوجه مشکلات و سختی‌های تبلیغ در میان کردها شد و در گزارش خود کردها را افرادی «بدگمان، آماده خشم، و مملو از نفرت نسبت به کلیه بیگانگان و به‌ویژه پیروان ادیان دیگر توصیف کرد». کمیته بازل نیز از خطرهای بسیار سفر به میان کردها کاملاً آگاه بود و «کار تبلیغ کردها را طولانی‌ترین وظیفه‌ای می‌دانست که ممکن است یک میسیونر در طول زندگی خود مشغول انجام آن باشد» (همان: ۱۳۹-۱۴۳). هورنله در یکی دیگر از گزارش‌های خود عدم علاقه کردها به هرگونه آموزش و زندگی کردن آن‌ها به‌شیوه چادرنشینی را از جمله موانع دیگر کار میسیونری در میان کردها ذکر کرده و تأکید کرده بود که از آن‌جاکه هر قبیله لهجه متفاوتی دارد، ارائه ترجمه‌ای از انجیل به زبان کردی که به‌طور کلی برای کلیه کردها قابل فهم باشد کاری ناشدنی است (همان: ۱۴۴). همین مسئله باعث شد تا هورنله از وظیفه آتی خود، یعنی ترجمه انجیل، مأیوس گردد. انجمن آمریکایی اعزام مبلغ به خارج (ABCFM) کلیساهای آمریکا نیز در سال ۱۸۳۲ م دو تن با نام‌های اسمیت و دوایت را به‌منظور مطالعه در احوال عیسویان آذربایجان به ایران فرستادند. آن‌ها از مناطق کردنشین شمال غرب ایران دیدن کردند و در گزارش خود به وجود بیش از یک‌صد هزار مسیحی نستوری در آن منطقه اشاره کردند و آن‌جا را بهترین منطقه برای فعالیت‌های میسیونری دانستند. چند سال بعد اولین میسیون آمریکایی، به‌رهبری جوستن پرکنیز (Justin Perkins)، در سال ۱۸۳۵ م به ارومیه رسید و شروع به فعالیت‌های مذهبی، فرهنگی، و پزشکی کرد. هدف عمده این میسیون آماده‌ساختن کلیسای نستوری برای رهبری نهضت اصلاحات روحانی در آسیا بود (الدر ۱۳۳۳: ۵).



اولین مرکز میسیونری، که از فعالیت آن در ولایت مکرری آگاهیم، مربوط به کلیسای کاتولیک فرانسه بود. خانم ایدا فایفر اتریشی که در سال ۱۲۶۴ ق/ ۱۸۴۸ م از طریق رواندوز به ساوجبلاغ آمد بود، به وجود بیست خانواده مسیحی در شهر ساوجبلاغ اشاره می‌کند که تحت مراقبت میسیونری فرانسه بودند و یک کلیسای خیلی زیبا داشته‌اند. او فعالیت میسیون فرانسه را محدود به فرستادن یک کشیش برای برگزاری مراسم و مناسک مذهبی دانسته است (Pfeiffer 1852: 281). به نظر می‌رسد که فعالیت این میسیون با شورش شیخ عبیدالله متوقف شده است. در حوالی سال ۱۳۱۰ ق/ ۱۸۹۳ م میسیون پرسیتتری کلیسای پروتستان آمریکا فعالیت خود را میان مسیحیان ساوجبلاغ آغاز کرد. فعالیت آنان در ولایت مکرری همانند میسیون فرانسه به اجرای مراسم مذهبی میان مسیحیان کردستان مکرری محدود بود و از اقدامات و فعالیت‌های آنان در میان کردها اطلاعی در دست نیست. این میسیون با شروع جنگ جهانی اول از ولایت مکرری بیرون رفت (گوفاری کوردستان میسنتری ۱۹۲۵: سالی ۱۶، ژماره ۴).

سومین میسیون مسیحی که به ولایت مکرری آمد، میسیون لوتری کلیسای پوتسدام آلمان بود. این میسیون در حوالی سال ۱۳۲۴ ق/ ۱۹۰۶ م به رهبری کشیش فوناورتن (Pastor Von Ortzen) و همسرش با هدف تأثیرگذاری بر کردها و کشاندن آن‌ها به سوی مسیحیت به ساوجبلاغ آمدند. هم‌راه این میسیون یک پزشک و چند نفر دیگر از جمله معلم جوانی به نام امانوئل دامان (Immanuel Dammenn) و فرد دیگری به نام «مستر اوریستن» به ساوجبلاغ آمدند. نحوه فعالیت این میسیون با میسیون‌های قبلی فرق داشت. آن‌ها از همان ابتدای ورودشان سعی در یادگیری زبان کردی داشتند و به «واعظی و معلمی و طبابت» پرداختند (همان؛ ساوخ، سند ۱۳۳۰-۲۲-۲۴-۱۸). مدتی بعد تبلیغات مذهبی این میسیون که دین مردم (اسلام) را هدف قرار داده بود، سبب تحریک اهالی شد. شب سوم محرم ۱۳۲۵/ ۲۷ فوریه ۱۹۰۶ گروهی از اهالی ساوجبلاغ، که بیش‌تر آن‌ها از ایل دهبکری بودند، بر سر میسیون مذکور ریختند. مردم خشمگین امانوئل دامان آلمانی را کشتند و مستر اوریستن را مجروح کردند. هم‌چنین، در این حادثه زن‌های میسیون هم دچار اذیت و آزار گشتند و اموال میسیونرها به غارت رفت (ساوخ، سند ۱۳۳۰-۲۲-۲۴-۱۸). میسیون لوتری کلیسای پوتسدام آلمان پس از این حادثه فعالیت‌هایش را در کردستان متوقف و ساوجبلاغ را ترک کردند (گوفاری کوردستان میسنتری ۱۹۱۲: سالی ۳، ژماره ۹)، باوجود این میسیون پرسیتتری هم‌چنان به فعالیت‌های خود در میان مسیحیان مکرریان تا جنگ جهانی اول ادامه داد.



تصویر ۱. قبر مسیو دامان در حیاط یک کلیسای مخروبه در ساوجبلاغ  
(گوفاری کوردستان میسننیری ۱۹۲۲: سالی ۱۳، ژماره ۲).

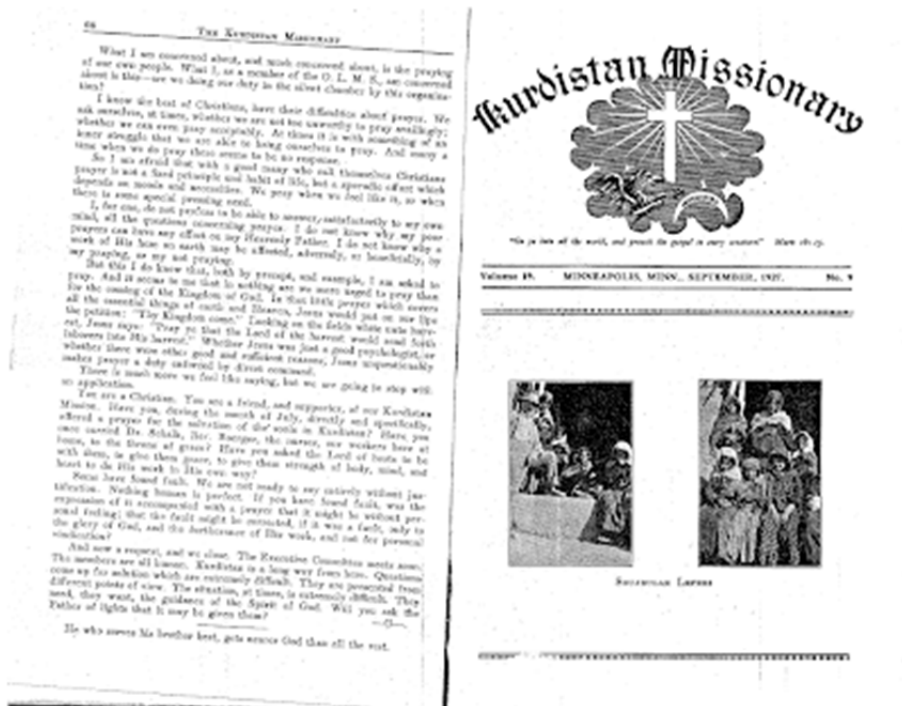
#### ۴. دوره نخست، دوره استقرار و آغاز فعالیت میسیون کردستان (میسیون مسیحی لوتری آمریکا در ساوجبلاغ: ۱۳۲۹-۱۳۳۴ ق)

چند سال پس از برچیده شدن میسیون لوتری پوتسدام در ساوجبلاغ یک کشیش آمریکایی نروژی تبار به نام لوئیس اولسن فاسوم به فکر ایجاد یک مرکز میسیونری در ساوجبلاغ افتاد. کشیش فاسوم چند سال در ارومیه در کلیسای نستوریان ارومیه کار کرده و یک بار هم به ساوجبلاغ سفر کرده بود. او پس از آن که میانه‌اش با اعضای میسیون ارومیه به هم خورد، به آمریکا بازگشت و مدتی بعد به میسیون لوتری آمریکا پیوست. اختلافات بین میسیون‌های مسیحی در آسیا سبب شد تا در سال ۱۹۱۰ م / ۱۳۲۸ ق یک کنفرانس جهانی با حضور انجمن‌های میسیونری اروپا و آمریکا در ادینبورگ اسکاتلند برگزار و حوزه فعالیت هر میسیون تعیین شود. در این کنفرانس، فعالیت میسیونری و دعوت به انجیل در کردستان به کلیسای لوتری آمریکا واگذار گردید. این میسیون با توجه به محدودیت‌های دولت عثمانی، کردستان ایران را برای ایجاد مرکز میسیونری انتخاب و به توصیه کشیش فاسوم، شهر ساوجبلاغ، مرکز ولایت مکر، اولین مرکز میسیون لوتری آمریکا با نام «میسیون کردستان» انتخاب شد (قازی، ۹ مارس ۲۰۰۹، <<https://ruwange.blogspot.com>>).

علاوه بر حضور اقلیت‌های مسیحی و یهودی در نقاط مختلف ولایت مکر، دلایل دیگری نیز در انتخاب شهر ساوجبلاغ به عنوان اولین مرکز میسیون لوتری آمریکا در

میسون کردستان: بررسی فعالیت میسیونرهای لوتری ... (کامران ثنائی و حسین رسولی) ۵۳

کردستان مؤثر بود. موقعیت جغرافیایی و نزدیکی آن شهر به مرزهای روسیه و عثمانی باعث شده بود تا علاوه بر بازرگانان ایرانی همواره عده‌ای از بازرگانان «موصلی، عرب، کلدانی، و ژاکویت» نیز در شهر ساوجبلاغ به تجارت و کسب و کار مشغول باشند (اوبن ۱۳۶۲: ۱۱۴). همین امر باعث شده بود شهر ساوجبلاغ در مقایسه با مناطق محل سکونت ایلات و عشایر از امنیت و پیشرفت نسبی بیش‌تری برخوردار باشد. بی‌شک انجام فعالیت‌های تبلیغی در کردستان مکرری و علی‌الخصوص شهر ساوجبلاغ، که دموگران از آن به «متمدن‌ترین بخش کردستان» یاد کرده است (دمورگان بی تا: ۲۰)، به مراتب آسان‌تر از مناطق محل سکونت عشایر چادرنشین بود. هم‌چنین، رایج‌بودن لهجه‌ای واحد در سراسر ولایت مکرری ترجمه‌انجیل به زبان کردی را امکان‌پذیر و فعالیت‌های تبلیغی را نتیجه‌بخش‌تر می‌ساخت. ازسوی دیگر، نزدیکی شهر ساوجبلاغ به ارومیه، شهری که گروه‌های میسیونری آمریکایی در آن‌جا فعالیت‌های گسترده‌ای را شروع کرده بودند، در انتخاب ساوجبلاغ برای تأسیس مرکز میسیونری بی‌تأثیر نبود.



تصویر ۲. صفحه اول ماه‌نامه کردستان میسنری (گوفاری کوردستان میسنری ۱۹۲۷: سالی ۱۸، شماره ۹)

پس از تأسیس میسون کردستان یک گروه شامل کشیش فاسوم، خانم آگوستا گودهارت (پرستار)، خانم متافون شولنبرگ آلمانی (معلم)، دکتر ادمان سوئدی و همسرش برای اعزام به ساوجبلاغ انتخاب شدند. کشیش فاسوم و دکتر ادمان قبل از سایرین در ۱۰ رمضان ۱۳۲۹/۴ سپتامبر ۱۹۱۱ به ساوجبلاغ رسیدند. در اولین جلسه این میسیون دکتر ادمان به‌عنوان رئیس میسیون به‌مدت یک سال انتخاب و کشیش فاسوم نیز به‌عنوان معاون او و حساب‌دار میسیون منصوب شد. ابتدا فعالیت میسیون محدود به اجرای مراسم دینی برای مسیحیان ساوجبلاغ بود. فاسوم مسئول این کار بود و امور مذهبی را با دقت تمام اجرا می‌کرد. در روزهای بعد با رسیدن دیگر اعضا و وسایل ضروری آن‌ها درمانگاه و مدرسه‌ای نیز در این مرکز دایر شد (گوفاری کوردستان میشننیری ۱۹۱۱: سالی ۲، ژماره ۲).

#### ۱.۴ واکنش‌ها به ورود و آغاز فعالیت‌های میسیونرهای آمریکایی در ساوجبلاغ

شروع فعالیت‌های میسیونرهای لوتری واکنش میسیونرهای پرسبیتی را، که از دو دهه قبل در میان مسیحیان ساوجبلاغ فعالیت می‌کردند، در پی داشت. دو نفر از اعضای میسیون پرسبیتی به نام‌های حکیم داود و حکیم سلیمان علیه میسیون کردستان شروع به تبلیغات کردند. علاوه بر آن، گروهی از ملاهای ساوجبلاغ نیز با داشتن ذهنیت قبلی درباره میسیون لوتری پوتسدام با آمدن این میسیون تازه مخالف بودند. در روزهای بعد که مدرسه و درمانگاه میسیون راه‌اندازی و رفت‌وآمد اهالی مسلمان به این میسیون بیش‌تر شد، اعضای میسیون آشکارا مردم را به دین مسیح راه‌نمایی می‌کردند؛ همین مسئله نه‌تنها باعث افزایش مخالفت‌ها بلکه باعث شد تا محمدحسین خان حاکم باوجود گذشت چندین روز از حضور میسیونرهای تازه‌وارد پیش آنان نرود و به آنان بدگمان باشد (ساوخ، سند ۱۳۳۰-۲۲-۲۴-۱۲).



تصویر ۳. مرکز میسیون کردستان در ساوجبلاغ؛ جمادی الاول سال ۱۳۳۱ق  
(قازی، ۱۱ دسامبر ۲۰۰۹، <<https://www.ruwange.blogspot.com>>).

نگاه بدبینانه برخی اهالی و مخصوصاً ملاهای ساوجبلاغ به فعالیت‌های میسیون کردستان در همان ماه‌های اول باعث دردسر و گرفتاری اعضای میسیون شد. کشیش فاسوم که در اجرای مراسم دینی و انجام فعالیت‌های میسیون سخت‌گیری و نظارت دقیقی داشت، ناقوسی را که میسیون از سفارت روس به صورت امانت گرفته بود بر گوشه‌ای از دروازه نصب کرد و هر روز صبح آن را چهارپنج بار برای اعلام آغاز مدرسه ابتدایی و همچنین در روزهای یکشنبه برای دعوت مردم به مراسم عبادت به صدا درمی‌آورد. اهالی ساوجبلاغ که با این صدا آشنایی نداشتند، آن را نشانه کفر دانسته و از بابت آن ناخشنود بودند. مطابق گزارش کارگزاری ساوجبلاغ میسیون آمریکایی تنها در روزهای یکشنبه ناقوس را به صدا درمی‌آورد، ولی در روز دوشنبه، هشتم ربیع‌الاول ۱۳۳۰/۲۶ فوریه ۱۹۱۲، کارکنان مدرسه صبح زود ناقوس را برای گردآوردن شاگردان به صدا درآوردند. طلاب یکی از مساجد که به آمریکایی‌ها سوءنیت داشتند و می‌دانستند که صبح زود موقع به صدا درآوردن ناقوس نیست، این کار را اهانتی به دین اسلام دانستند درصدد انتقام از آنان برآمدند (ساوخ، سند ۱۳۳۰-۲۲-۲۴-۱۲). در روز مذکور طلبه‌ها در خیابان طبل‌زده و مسلحانه به سوی میسیون به راه افتادند. قبل از رسیدن آن‌ها به میسیون کشیش فاسوم کارگزاری، حکومت، و شهپندر

عثمانی را خبر کرده بود. شهیندر بلافاصله دو عسکر را فرستاده بود. سپس، خودش هم‌راه حاکم و کارگزار و چند تن از علما به آن‌جا رفته بود. آن‌ها با زحمت زیاد مبلغان آمریکایی را از این مخمصه نجات دادند. پس از این واقعه سردار مگری، حاکم ساوجبلاغ، گروهی از مشارکت‌کنندگان در این حمله را دست‌گیر و تنبیه کرد. هم‌چنین، چهار سرباز را مأمور نگهبانی شبانه‌روزی از میسیون کردستان کرد. فاسوم در گزارشش به کردستان میسنری، موفقیت در این قضیه را «پیروزی بزرگی برای عیسی در کردستان نامید» (گوفاری کوردستان میسنتری ۱۹۱۲: سالی ۳، ژماره ۳).

#### ۲.۴ فعالیت‌های پزشکی و خدماتی میسیون کردستان

فعالیت‌های پزشکی جایگاه مهمی در برنامه‌های میسیون‌ها در ایران داشت. میسیونرها با استفاده از دانش پزشکی در پی آن بودند تا گرایش اهالی را به سمت خود جلب کنند. هورنله، مبلغ آلمانی، معتقد بود که تنها راهی که می‌توان از طریق آن در میان کردها نفوذ کرد تحت‌عنوان پزشک است (والدبرگر ۱۳۷۹: ۱۴۳). در آن دوره کردستان مگری فاقد کم‌ترین امکانات بهداشتی و پزشکی بود و شیوه‌های درمانی بومی و سنتی حکیمان محلی چندان جواب‌گو نبود. مدت کوتاهی پس از ورود میسیونرهای آمریکایی به ساوجبلاغ درمانگاهی به سرپرستی دکتر ادمان سوئدی راه‌اندازی شد. خانم گودهارت نیز به‌عنوان یک پرستار و ماما وی را یاری می‌داد. هم‌چنین، آن‌ها گاهی از روستاهای منطقه دیدار و بیماران را مداوا می‌کردند. پس از مدتی شعبه دیگری از درمانگاه میسیون کردستان در روستای نقده، که شماری مسیحی داشت، تأسیس شد و خانم آگوستا گودهارت به آن‌جا منتقل شد (گوفاری کوردستان میسنتری ۱۹۱۱: سالی ۲، ژماره ۲). این اقدامات تأثیر به‌سزایی در شکل‌گیری دیدگاه مثبت اهالی در قبال فعالیت‌های میسیون کردستان داشت.

یکی دیگر از اقدامات میسیون کردستان در دور اول فعالیت‌هایشان در ساوجبلاغ تأسیس یتیم‌خانه بود. این بخش توسط یک معلم آلمانی، به‌نام خانم شولنبرگ، اداره می‌شد. او ابتدا چهار و بعداً ده یتیم را تحت آموزش و مراقبت قرار داد. با ارائه این خدمات روابط اهالی ساوجبلاغ و ادارات حکومتی با میسیونرهای لوتری آمریکایی بیش‌ازپیش بهبود یافت. میسیونرها با حاکم شهر، کنسول روس، شهیندر عثمانی، و بزرگان مگری در ارتباط بودند. به همین سبب، یکی از اهالی ساوجبلاغ زمین باارزشی به‌مساحت تقریبی نیم هکتار را به میسیون واگذار کرد. فاسوم در این زمین کلیسایی احداث کرد، اما پس از پایان دور اول

میسون کردستان: بررسی فعالیت میسیونرهای لوتری ... (کامران ثنایی و حسین رسولی) ۵۷

فعالیتشان ویران شد. هم‌چنین، مالکانی از روستاهای ایندرقاش و اطمیش و خاتون‌باغ به آن‌ها قول دادند که در صورت بازکردن مدرسه یا درمانگاه در روستای آنان مخارجشان را برعهده بگیرند (سهرچاوهی پیشوو ۱۹۲۰: سالی ۱، ژماره ۱۲).

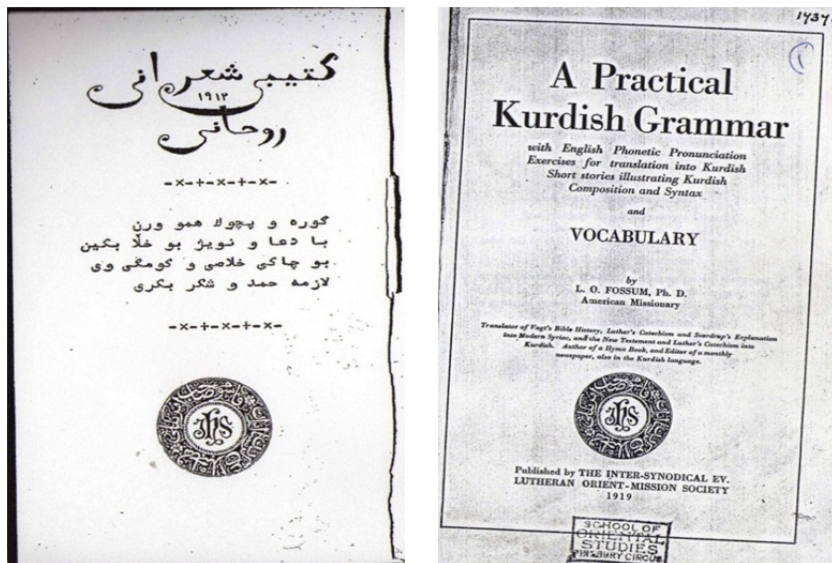


تصویر ۴. دکتر ادمان سوندی (سمت راست) و لوئیس اولسن فاسوم (گوفاری کوردستان میشتیری ۱۹۱۰: سالی ۱، ژماره ۳).

### ۳.۴ فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی میسیون کردستان

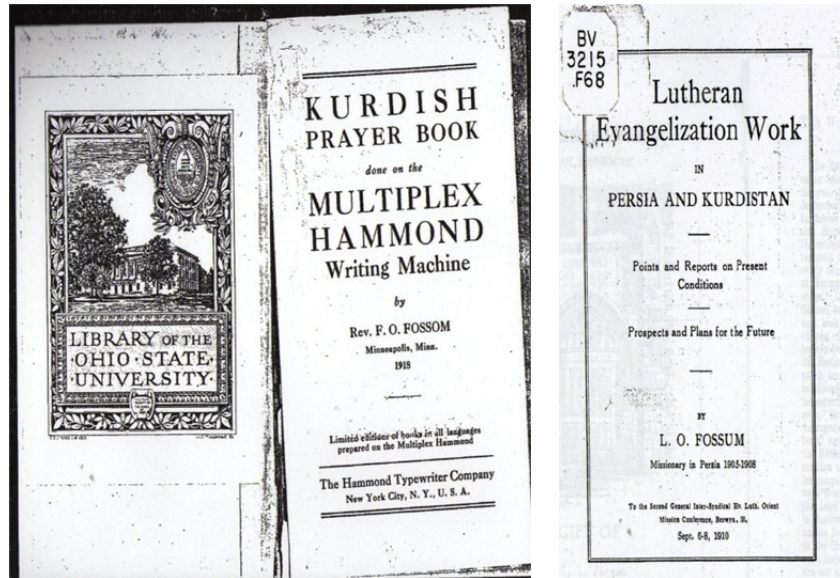
هم‌چنان‌که هورنله در گزارش خود اشاره کرده بود، یکی از مشکلات تبلیغ در میان کردها سطح پایین سواد و عدم علاقه آن‌ها به آموزش بود. دایرکردن مدرسه و تلاش برای آموزش خواندن و نوشتن به اهالی یکی از مهم‌ترین اقدامات میسیونرهای آمریکایی در دور اول فعالیتشان در ساوجبلاغ بود. این مدرسه مخصوص دانش‌آموزان ابتدایی بود و در ۲۷ ذی‌حجه ۱۳۲۹/۱۸ دسامبر ۱۹۱۱ با هجده دانش‌آموز پسر و سه دانش‌آموز دختر در چهار پایه افتتاح شد. از آن‌جا که از میان اعضای میسیون تنها فاسوم می‌توانست با زبان کردی صحبت کند، میسیون دو معلم بومی از مسیحیان ساکن ساوجبلاغ و یک معلم مسلمان به نام «میرزا رحمان حاجی نورو» را به‌منظور تدریس در مدرسه ابتدایی و هم‌چنین آموزش زبان کردی به سایر میسیونرها استخدام کردند. غیر از مدرسه ابتدایی چند نفر از جوانان ساوجبلاغ از جمله مصطفی قاضی<sup>۳</sup> خواستار یادگیری زبان انگلیسی شدند (سهرچاوهی پیشوو ۱۹۱۲: سالی ۲، ژماره ۹). بدین ترتیب، کلاس جوانان با یازده نفر تشکیل شد، اما پس از به‌وجود آمدن مشکل ناقوس که قبلاً به آن اشاره شد، شمار آن‌ها به سه نفر کاهش یافت. هم‌چنین، یک کلاس هم مخصوص تلاوت و خواندن/انجیل در بعدازظهرهای یک‌شنبه تشکیل می‌شد (همان).

مشکل بزرگ مدرسه نبودن کتاب و متون درسی برای تدریس به زبان کردی بود. بیش تر دانش آموزان مدرسه ابتدایی غیر از زبان کردی زبان دیگری نمی دانستند. به همین دلیل، کشیش فاسوم در اولین فرصت با کمک معلمان مدرسه شروع به ترجمه متون دینی به زبان کردی کرد. فاسوم برای این کار ابتدا الفبایی متشکل از ۲۸ حرف عربی و چهار حرف فارسی تهیه کرد و بر آن اساس چند متن مذهبی از جمله پایه های مسیحیت لوتری، کتاب ریاضی و شمارش، کتاب شعرانی روحانی (شعرهای روحانی) را به کردی ترجمه کرد. کتاب شعرانی روحانی شامل صد سرود مذهبی بود که از زبان های انگلیسی، نروژی، سوئدی، و آلمانی به کردی ترجمه شده بودند. نسخه های دست نویس این کتاب ها در اختیار دانش آموزان قرار داشت و حدود یک سال طول کشید تا این کتاب ها به چاپ رسیدند. فاسوم در سال های بعد هر چهار/انجیل را به زبان کردی مکرری ترجمه کرد. مهم ترین اثر فاسوم کتاب دستور زبان کردی با لهجه مکرری بود. این اثر تز دکترای فاسوم بود و آن را به روح الکساندر ایاس<sup>۴</sup> تقدیم کرد (همان؛ قازی، ۹ مارس ۲۰۰۹، <<https://www.ruwange.blogspot.com>>). این کتاب در سال ۱۹۱۹ م / ۱۳۳۷ ق در آمریکا منتشر شد.



تصویر ۵. اولین دستور زبان کردی سورانی با لهجه مکرری و کتاب شعرانی روحانی با زبان کردی که هردو در دوره اول فعالیت میسیون کردستان توسط دکتر لوئیس اولسن فاسوم تهیه شدند (قازی، ۹ مارس و ۲۱ ژوئن ۲۰۰۹، <<https://www.ruwange.blogspot.com>>).





تصویر ۶. دو اثر دیگر فاسوم: بشارت لوتری و کتاب دعای کردی (قازی، ۹ مارس ۲۰۰۹، <<https://www.ruwange.blogspot.com>>).

#### ۴.۴ شروع جنگ جهانی اول و پایان دور اول فعالیت میسیون کردستان

شروع جنگ جهانی اول ادامه فعالیت میسیونرهای آمریکایی را با مشکلات جدی روبه‌رو ساخت. کشیش مان، پیشوای لوتریان آمریکا، به اعضای میسیون کردستان توصیه کرده بود که اگر بر اثر جنگ خطری متوجه آنان شد، به آمریکا بازگردند. در سال ۱۳۳۲ ق/ ۱۹۱۴ م با رسیدن نیروهای عثمانی به نزدیک ساوجبلاغ دکتر ادمان و همسرش هم‌راه تعداد دیگری از میسیونرها شهر ساوجبلاغ را ترک کردند و به آمریکا بازگشتند، لیکن کشیش فاسوم، خانم شولنبرگ، و خانم گودهارت با آگاهی از خطری که جان آنان را تهدید می‌کرد، حاضر به تنها گذاشتن مردم نبودند. فاسوم در جواب کشیش «مان» گفته بود که ما کار را به‌خوبی شروع کرده‌ایم و با این همه سرمایه‌گذاری حاضر به ترک ساوجبلاغ نیستیم. به همین دلیل، هم‌زمان با ورود نیروهای عثمانی به ساوجبلاغ، فاسوم به شهیندر عثمانی پناه برد و میسیونرهای آمریکایی به‌واسطه حمایت شهیندر و گذاشتن دو نگهبان برای محافظت از آنان از قتل و غارت نجات پیدا کردند و نیروهای عثمانی آسیبی به آنها نرساندند. با وجود این پس از ورود نیروهای روسی به ساوجبلاغ و قتل عام اهالی توسط آنان، در پی ضرب‌الاجل

نیروهای روس در ۷ ربیع‌الثانی ۱۳۳۴ / ۱۱ فوریه ۱۹۱۶، تمامی اعضای میسیون آمریکایی به ترک ساوجبلاغ مجبور شدند و بدین ترتیب دور اول فعالیت آن‌ها در مکریان به پایان رسید (گوفاری کوردستان میسنتری ۱۹۱۵: سالی ۶، ژماره ۱۱).

### ۵. دوره دوم فعالیت میسیون کوردستان (۱۳۰۰ ش / ۱۹۲۱ م)

پس از پایان جنگ جهانی اول میسیون لوتری آمریکا به بازگشایی میسیون کوردستان و شروع مجدد فعالیت در ساوجبلاغ تصمیم گرفت. به همین منظور، در سال ۱۳۳۷ ق / ۱۹۱۹ م شش نفر شامل کشیش فاسوم، خواهرش آما فاسوم، خانم آگوستا و گودهارت، خانم آنا شوینهود، کشیش جورج باشیمن، و همسرش نیویورک را به قصد ساوجبلاغ ترک کردند. لیکن آن‌ها به علت بسته بودن مرز ارمنستان و ایران برای مدتی به توقف در ارمنستان مجبور شدند. در همان اثناء، در ۱۳۳۹ ق / ۱۹۲۰ م کشیش فاسوم بر اثر بیماری در ۴۲ سالگی در ایروان درگذشت. مدتی بعد با باز شدن راه تبریز دیگر اعضای میسیون از مرز ایران عبور و در ۷ خرداد ۱۳۰۰ / ۲۸ مه ۱۹۲۱ به ساوجبلاغ رسیدند (قازی، ۹ مارس ۲۰۰۹، <https://www.ruwange.blogspot.com>). از گزارش‌های منتشر شده در کوردستان میسنتری پیداست که ساکنان ساوجبلاغ از حضور مجدد اعضای میسیون خوش حال شده‌اند و از آن‌ها استقبال کرده‌اند. اعضای میسیون به محض ورود به ساوجبلاغ متوجه تغییرات زیاد آن شهر در مقایسه با دوره قبل شدند. در طول جنگ جهانی اول بخش زیادی از شهر ویران و جمعیت آن نیز به کم‌تر از نصف کاهش یافته بود. در اولین جلسه میسیون، کشیش باشیمن به ریاست میسیون کوردستان انتخاب گردید. پس از آن، برنامه‌ریزی برای اجرای برنامه‌های میسیون آغاز شد. اجرای مراسم دینی، راه‌اندازی مدرسه، و شروع به کار مجدد درمانگاه از فعالیت‌های این دور میسیون کوردستان بود. مدرسه میسیون توسط خانم شوینهود اداره می‌شد و نه کودک مسیحی در آنجا درس می‌خواندند. هم‌چنین، دو نفر از جوانان ساوجبلاغ نیز برای یادگیری زبان انگلیسی در کلاس‌ها شرکت می‌کردند (گوفاری کوردستان میسنتری ۱۹۲۱: سالی ۱۲، ژماره ۱۰).



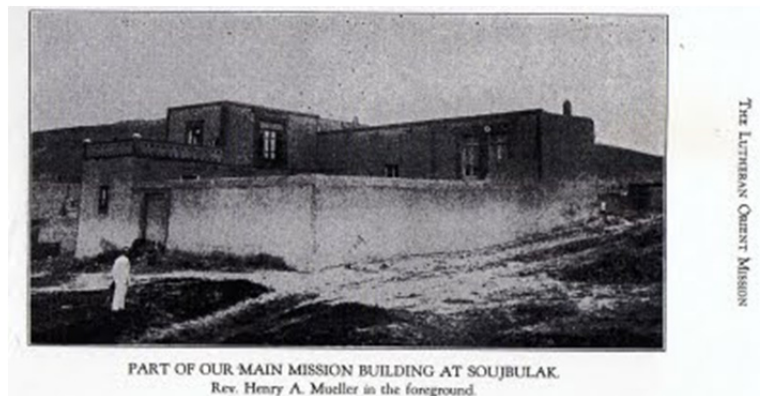
تصویر ۷. آگوستا گودهارت، آنا شوینهود، و آلما فاسوم خواهر لویس اولسن فاسوم (قازی، ۹، ۲۱، ۲۶ مارس ۲۰۰۹، <<https://www.ruwange.blogspot.com>>).

عمر دومین دوره فعالیت میسیون کردستان در ساوجبلاغ کوتاه و تنها چهار ماه و نیم بود. این دوره از فعالیت میسیون مقارن شورش سمکو علیه دولت قاجار بود. مرکز میسیون در روز تصرف و غارت ساوجبلاغ توسط نیروهای شکاک سمکو (۱۵ مهر ۱۳۰۰ / ۷ اکتبر ۱۹۲۱) همانند سایر خانه‌های آن شهر غارت گردید و کشیش باشیمون و یک خدمت‌کار کشته شدند. در این واقعه اعضای میسیون تلخ‌ترین حادثه تاریخ حضورشان در کردستان را تجربه کردند. سمکو از بابت این حادثه معذرت‌خواهی کرد و چند نفر را مأمور مراقبت از آن‌ها کرد. خانم‌های میسیونر با زحمت فراوان باشیمون را در کنار قبر دامان به خاک سپردند، سپس یک هفته بعد اعضای میسیون ساوجبلاغ را به مقصد تبریز ترک کردند. بدین ترتیب، دومین دوره فعالیت میسیون کردستان پایانی غم‌انگیز داشت (سه‌چاوهمی پیشوو ۱۹۲۲: سالی ۱۳، ژماره ۲).

#### ۶. دور پایانی فعالیت میسیون کردستان در ساوجبلاغ (۱۳۰۲-۱۳۱۴ ش/ ۱۹۲۳-۱۹۳۵ م)

در آذر ۱۳۰۲ / دسامبر ۱۹۲۳ میسیون لوتری آمریکا برای بار سوم تیمی قوی از اعضایش را به منظور بازگشایی میسیون کردستان در ساوجبلاغ روانه ایران کرد. اعضای این دوره عبارت بودند از دکتر شالک آلمانی و همسرش هیدویگ، خانم گودهارت، خانم آنا شوینهود، خانم ایمیلیا اندرسون، و دخترش سارا. این افراد به سرپرستی دکتر شالک در ۱۸ دی‌ماه ۱۳۰۲

۹ ژانویه ۱۹۲۴ به ساوجبلاغ رسیدند. دکتر شالک، در همان ابتدا علاوه بر ساختمانی کهنه، قطعه زمین بزرگی را در کنار رود ساوجبلاغ خریداری کرد (سرچاوه می پیشو ۱۹۲۴: سالی ۱۵، ژماره ۶). قسمتی از آن ساختمان به مدرسه اختصاص یافت. در این مدرسه چند کودک مسیحی و تعدادی کودک کرد مشغول یادگیری زبان انگلیسی شدند (بهبودی ۱۳۹۳: ج ۵، ۱۸). تلاش دکتر شالک برای احداث ساختمانی برای میسیون با مخالفت نایب سرهنگ یوسف خان، حاکم ساوجبلاغ، روبه‌رو شد. حاکم در گزارش خود به لشکر غرب دکتر شالک را شخصی مشکوک و دارای امیال سیاسی معرفی کرد و نوشت: «ماندن میسیون آمریکایی در ساوجبلاغ و معاشرت او با کردها به‌عنوان طبابت و غیره مضر، و اگر برای تبعید آن‌ها از ساوجبلاغ تدبیری اتخاذ شود، خیلی مفید خواهد بود». یوسف خان مخصوصاً از خانم گودهارت که با زبان‌های کردی و فارسی و ترکی تکلم می‌کرد، هراسیده بود. از آن طرف، سفارت آمریکا هم از اقدامات میسیون دفاع و از کارگزاران ایران خواست تا اگر مدرکی را دال بر ضدیت فعالیت‌های میسیون با منافع کشور ایران دارند ارائه دهند (همان: ۸۰، ۱۱۰). در نتیجه دفاعیات سفارت آمریکا حاکم ساوجبلاغ نتوانست مانع فعالیت‌های میسیون شود. از این‌رو، کار ساخت بیمارستان با سرعت پیش رفت و در ۲۳ تیر ۱۳۰۵/۱۵ ژوئن ۱۹۲۶ مرکز میسیون به ساختمان جدید انتقال یافت. شایان ذکر است که هر ساله با فرارسیدن فصل گرما میسیونرها تمام تشکیلات خود را به یکی از بیلاقات ساوجبلاغ به نام «کانی شیخان» برده و حدود دو ماه گرم سال را در آنجا به‌سر می‌بردند (گوفاری کوردستان میسنتری ۱۹۲۶: سالی ۱۷، ژماره ۹).



تصویر ۸ عکس قسمتی از ساختمان میسیون کردستان در ساوجبلاغ (قازی، ۲۸ اکتبر ۲۰۰۹، <<https://www.ruwange.blogspot.com>>).

## ۱.۶ فعالیت‌های پزشکی میسیون کردستان در دوره سوم

در این دوره میسیونرهای لوتری از همان ابتدا توجه زیادی به فعالیت‌های پزشکی داشتند. در واقع، نقطه قوت اصلی آن‌ها تأسیس بیمارستان کوچکی به نام بتلهم گتسامن (Gethsemane and Bethlehem) بود. نام این بیمارستان از نام دو کلیسای لوتری گرفته شده بود. دکتر هرمان شالک آلمانی، که تنها پزشک و جراح این بیمارستان بود، ریاست آن‌جا را برعهده داشت. هم‌زمان با شروع فعالیت‌های پزشکی میسیونرهای آمریکایی، دو پزشک روسی و دو پزشک سریانی در ساوجبلاغ به کار طبابت مشغول بودند. آن‌ها مخالف دایرشدن بیمارستان میسیون بودند و علیه میسیونرها به تبلیغات می‌پرداختند. با وجود این، بیش‌تر بیمارانی که به عمل جراحی نیاز داشتند، ناچار به بیمارستان میسیون مراجعه می‌کردند. گویا دکتر شالک هزینه کم‌تری در مقایسه با سایر طبیبان ساوجبلاغ دریافت می‌کرد و برخی از نیازمندان را نیز رایگان معالجه می‌کرد. او هم‌چنین گاو، گوسفند، و حتی یونجه را هم بابت دست‌مزد از بیماران قبول می‌کرد. در سال ۱۳۰۵ ش/م میسیون کردستان صاحب سیزده رأس گاو، بیست رأس بز، و چند گوسفند بود که بابت ویزیت یا عمل جراحی از بیماران دریافت شده بود (گوفاری کوردستان میسنیری ۱۹۲۶: سالی ۱۷، ژماره ۷ و ۸).

خدمات رایگان بیمارستان به بیماران مبتلا به جذام، که از آن‌ها تحت‌عنوان «گول» یاد می‌شد، از دیگر اقدامات خیرخواهانه میسیون بود. معمولاً هر هفته یک بار دکتر شالک یا یکی دیگر از پرستاران داروهای موردنیاز این بیماران را به روستایی که از آن تحت‌عنوان «روستای گولان» (بصره) یاد شده است، می‌رساندند. این روستا بر اثر حمله روس‌ها ویران شده بود و در آن زمان تنها یازده نفر از این بیماران در آن‌جا زندگی می‌کردند. چند سال بعد شمار بیماران «گول» تحت پوشش میسیون به ۹۶ نفر رسید. با وجود این اقدامات خیرخواهانه در گزارش‌های میسیون در کردستان میسنیری از بیمارانی هم صحبت به‌میان می‌آید که به‌خاطر نداشتن پول عمل جراحی در بیمارستان پذیرش نشده و پس از مدتی فوت کرده‌اند (سهرچاومی پیشوو ۱۹۲۷: سالی ۱۸، ژماره ۹؛ سهرچاومی پیشوو ۱۹۲۷: سالی ۱۹، ژماره ۶، ژوئنه‌نی ۱۹۲۸).

جدول ۱. جدول آماری فعالیت‌ها و هزینه و درآمد بیمارستان میسیون کردستان در طول ۱۹۲۴-۱۹۲۶ م  
(گوفاری کورستان میشتیری ۱۹۲۶: سالی ۱۷، ژماره ۷ و ۸)

سال	شمار بیماران	بیماران بستری	عمل جراحی سنگین	عمل جراحی ساده	جراحی دندان	واکسن	درآمد	هزینه
۱۹۲۴ (زمستان ۱۳۰۲ تا زمستان ۱۳۰۳ ش)	۳۵۸۱	۱۱۴	۱۹	۲۲۴			۷۹۵ دلار و ۵۵ سنت	۳۸۹۰ دلار
۱۹۲۵ (زمستان ۱۳۰۳ تا زمستان ۱۳۰۴ ش)	۳۹۲۲	۱۶۵	۳۹	۴۱	۷۵	۱۶۰	۱۲۰۷ دلار و ۶۶ سنت	۲۶۶۷ دلار
۱۹۲۶ (زمستان ۱۳۰۴ تا زمستان ۱۳۰۵ ش)	۲۶۶۵	۹۸	۴۴					۴۸۵۳۱ دلار

اعضای میسیون کردستان غیر از خدماتی که در ساوجبلاغ انجام می‌دادند، به نواحی اطراف هم سرکشی می‌کردند. در سال ۱۳۰۳ ش/ ۱۹۲۴ م دکتر شالک و خانم شوینهود در یک گشت چهل‌روزه به ارومیه، سلماس، خوی، ماکو، مرند، تبریز، مراغه، میاندوآب، و چندین روستا سفر کردند و بیماران زیادی را ویزیت کردند. در غیاب دکتر شالک، خانم گودهارت<sup>۱۵</sup> امور بیمارستان میسیون را اداره می‌کرد (سهرچاوهی پئیشوو ۱۹۲۴: سالی ۱۵، ژماره ۸).

در سال ۱۳۰۶ ش/ ۱۹۲۷ م میسیون لوتری مرکزی در نیویورک یک بازرس، به‌نام کشیش آلفرد بیوگر، را برای بازدید میسیون کردستان به ساوجبلاغ روانه کرد. بیوگر در این بازدید متوجه شد که دکتر شالک تصرفاتی در اموال میسیون کرده است. به همین سبب، دکتر شالک اخراج شد و به آلمان بازگشت. پس از رفتن دکتر شالک، دکتر جورج یوناتان (George Jonatan) از پزشکان مقیم ساوجبلاغ به‌همراه سایر اعضای میسیون و پرستاران ساوجبلاغی بیمارستان را اداره می‌کردند (سهرچاوهی پئیشوو ۱۹۲۸: سالی ۲۰، ژماره ۲). بیوگر در پایان بازدیدش از میسیون کردستان در گزارشی که به میسیون مرکزی نیویورک نوشت با استناد به بازدید چندماهه‌اش و گزارش‌های دیگر بازدیدکنندگان از سایر میسیون‌های فعال در ایران ادعا کرد که هیچ‌کدام از مراکز میسیونی ایران به‌اندازه میسیون کردستان امیدبخش نیست (سهرچاوهی پئیشوو ۱۹۲۸: سالی ۱۹، ژماره ۱).

## ۲.۶ فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی

اعضای میسیون کردستان در دور سوم به مدرسه و فعالیت‌های آموزشی اهمیت کم‌تری دادند. در واقع، بیش‌تر فعالیت آنان به بیمارستان اختصاص یافته بود. مدرسه میسیون تنها پس از اتمام کار ساختمان جدید در سال ۱۳۰۵ ش / ۱۹۲۶ م با کم‌تر از ده دانش‌آموز آغاز به کار کرد. بزرگان شهر، از جمله قاضی علی (پدر قاضی محمد)، مردم را به خودداری از فرستادن فرزندانشان به مدرسه میسیون تشویق می‌کردند. قاضی علی اگرچه با اعضای میسیون هم‌کاری نزدیکی داشت و مورد تمجید اعضای میسیون بود، لیکن درس خواندن دانش‌آموزان در مدرسه میسیون را سبب تغییر دین آن‌ها می‌دانست. به همین سبب، والدین کمی به ثبت‌نام فرزندانشان در این مدرسه مایل بودند و بیش‌تر دانش‌آموزان فرزندان مسیحیان ساوجبلاغ و خدمت‌کاران مشغول به کار در میسیون بودند. علاوه بر این چند جوان ساوجبلاغی از جمله قاضی محمد نزد اعضای میسیون مشغول یادگیری زبان انگلیسی بودند و در برابر این کار می‌بایست به اعضای میسیون زبان کردی یاد بدهند (گوفاری کردستان میثنتیری ۱۹۲۷: سالی ۱۸، ژماره ۶).

از دیگر فعالیت‌های میسیون کردستان در این دوره پرورش و مراقبت از چند کودک یتیم بود. این یتیمان پس از رسیدن به سن رشد، با یادگیری حرفه‌هایی هم‌چون نجاری زندگی خود را می‌چرخاندند (گوفاری لوتیران نوریات میثنتین ۱۹۳۶: سالی ۲۷، ژماره ۳). در دوران رضاشاه، هم‌زمان با افزایش تعداد مدارس دولتی در اقصی نقاط کشور، دولت برای نظارت انحصاری بر نظام آموزشی به‌عنوان یکی از کلیدی‌ترین ابزارهای هویت‌سازی ملی از راه‌های گوناگون فعالیت مدارس غیردولتی را محدود و در ابتدا مدارس خارجی از جمله مدارس آمریکایی را به مطابقت کامل برنامه‌هایشان با پروگرام وزارت معارف، تدریس به زبان فارسی، و تدریس جغرافیا و تاریخ ایران مجبور کرد (ساکما، سند ۲۹۷/۵۳۵۹، برگ ۲) و سپس به بهانه‌های مختلف در پی تعطیلی آن‌ها برآمد. در اواخر پاییز سال ۱۳۰۶، دولت پهلوی جلوی فعالیت مدرسه میسیون در ساوجبلاغ را گرفت. در پی این ممانعت اعضای میسیون درخواست فعالیت مدرسه را تنها برای یتیمان و کودکان کادر میسیون کردند، اما با این امر هم موافقت نشد. از آن زمان دولت پهلوی نظارت بر کار میسیون کردستان را بیش‌تر کرد. دلیل این سخت‌گیری ترس دولت پهلوی اول از بیداری حس ناسیونالیستی کردها بود. به گفته یکی از اعضای میسیون دولت پهلوی با هر چیزی که بیداری ناسیونالیسم کردها منجر می‌شد، مبارزه می‌کرد. در همین جهت، دولت پهلوی

اعلام کرد که ادامه فعالیت میسیون لوتری آمریکا در ایران مشروط به حذف نام کردستان از ماهنامه میسیون (کردستان میسنری) است. به همین خاطر، در دی ماه ۱۳۰۷/ ژانویه ۱۹۲۹ نام ماهنامه کردستان میسنری به لوتران اورینت میسن (Lutheran Orient Mission) تغییر یافت.<sup>۷</sup> لوتران اورینت میسن هر دو ماه یک بار منتشر می شد و انتشار آن تا سال ۱۹۶۳ م/ ۱۳۴۲ ش ادامه داشت (قازی، ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۹، <<https://www.ruwange.blogspot.com>>).



تصویر ۹. خانم ایمیلیا اندرسون و دکتر هرمان شالک

(قازی، ۲ مه و ۳۰ ژوئن ۲۰۰۹، <<https://www.ruwange.blogspot.com>>).

### ۳.۶ فعالیت های تبلیغی و مذهبی

اعضای میسیون کردستان در زمینه تبلیغ مسیحیت و تلاش برای جلب کردها به مسیحیت توفیق چندانی حاصل نکردند. در دور اول فعالیت میسیون، آنها توانسته بودند چند مسلمان را به تغییر دین متمایل کنند، لیکن در این دور دستاوردشان کم تر بود و غیر از دو نفر از کارکنان میسیون با نام های حسین حبیبی و عزیز زندی کسی حاضر به این کار نشد. یکی از اعضای میسیون (مولر) در توجیه این مسئله بیداری حس ناسیونالیستی کردها را مطرح کرد و گفت که کردها در این ایام به دین چه اسلام و چه مسیحیت بی توجه شده اند و ناسیونالیسم کردی برایشان اهمیت پیدا کرده است. با وجود این، مراسم روز یکشنبه مرتب برگزار می شد و حدود هفتاد نفر شرکت کننده داشت. در برخی مواقع بیماران بستری نیز در این مراسم شرکت می کردند. گاه هم به منظور اجرای مراسم مذهبی به روستاهایی که دارای اتباع مسیحی بودند (همانند قملعه) سر می زدند (گوفاری لوتنیران نورینت میسن ۱۹۳۲: سالی ۲۳، ژماره ۳).



میسون کردستان: بررسی فعالیت میسیونرهای لوتری ... (کامران ثنایی و حسین رسولی) ۶۷

هنری مولر، میسیونر آمریکایی، در گزارش خود از سفری که در تابستان ۱۳۱۲ ش/ ۱۹۳۳ م به همراه دکتر کاکران برای انجام فعالیت‌های تبلیغی و پزشکی به مناطق عشایرنشین اطراف ساوجبلاغ، پسوه، و سردشت رفته بود، ضمن تأکید بر این نکته که «ما هیچ‌گاه بدون هدفمان که همان ترویج مسیحیت است میان مردم نمی‌رویم»، اشاره می‌کند که در سفر مذکور برای آن که اهالی فکر نکنند تنها به‌خاطر موعظه و دعوت به انجیل به‌میان آن‌ها رفته‌اند، سعی کرده‌اند با ارائه خدمات پزشکی چنان وانمود کنند که مداوای بیماران هدف اصلی سفرشان است. سپس، در ادامه می‌نویسد که او به‌لطف اقدامات پزشکی دکتر کاکران «آزادانه» توانسته است «۲۵۰ کتاب، نشریه، و اعلامیه را که در میانشان پانزده جلد/انجیل، چندین متن مزمور، سه متن جدید، و ۵۵ موعظه روی کوه» را در مدت نه روز و سفر در یک عرصه ۲۴۰ کیلومتری در میان ایلات و عشایر مسلمان منطقه پخش کند (سه‌چاوه‌ی پیشو و ۱۹۳۳: سالی ۲۴، ژماره ۶). این مطلب به‌خوبی نشان‌دهنده آن است که فعالیت‌های تبلیغی میسیونرهای آمریکایی تنها به اقلیت‌های دینی ساکن مکریان محدود نبود و آن‌ها تلاش کرده‌اند، ضمن ارائه خدمات پزشکی، تمام توان خود را برای ترویج دین مسیحیت در میان کردهای مسلمان منطقه به‌کار گیرند، هرچند آن‌ها به‌علت بافت مذهبی و سنتی منطقه در این زمینه موفقیت چندانی کسب نکردند.



تصویر ۱۰. خانم مارتا دال از اعضای میسیون کردستان با یکی از همسایه‌های کرد (قازی، ۳ ژوئیه ۲۰۰۹، <<https://www.ruwange.blogspot.com>>).



تصویر ۱۱. نمونه دو ماهنامه لوتران اورینت میشن (گوفاری لوتنیران نوریانت میشین ۱۹۳۸: سالی ۱۹، ژماره ۲).

## ۴.۶ پایان فعالیت مسیونرهای آمریکایی در ساوجبلاغ

در ۲۸ فروردین ۱۳۰۸/۱۷ آوریل ۱۹۲۹ هنری مولر و همسرش برای اداره مسیون کردستان به ساوجبلاغ رفتند. آن‌ها آخرین مسیونرهای این مسیون بودند و هفت سال تمام در مسیون ساوجبلاغ خدمت کردند. در این دوره، اصلاحات رضاشاه کم‌کم به پیشرفت کشور منجر شد. با احداث مدارس جدید و بیمارستان دولتی دیگر خدمات مسیون ضرورت چندانی نداشت. از طرف دیگر، عدم تبعیت یک مسیون خارجی از قوانین داخلی ایران، نگرانی دولت را از بابت ترویج ناسیونالیسم کردی توسط آن‌ها افزایش داده بود. از همین رو، از اوایل دوره پهلوی فعالیت‌های مسیونرها تحت نظارت قرار گرفت تا این‌که در اواخر سال ۱۳۱۴ ش/ ۱۹۳۵ م به کلیه مسیون‌های حاضر در مناطق کردنشین دستور داده شد تا مراکزشان را ترک کنند و به یکی از شهرهای مرکزی ایران بیایند و گرنه باید از ایران خارج شوند (گوفاری لوتنیران نوریانت میشین ۱۹۳۸: سالی ۱۹، ژماره ۲).

حاکم «ایالت غربی آذربایجان» در اردیبهشت ۱۳۱۵/ آوریل ۱۹۳۶ در نامه‌ای محرمانه به وزارت داخله ضمن اشاره به این‌که در پرونده‌های مرتبط هیچ‌گونه مدرکی دال بر مجرم بودن آمریکایی‌های مقیم مهاباد<sup>۸</sup> وجود ندارد می‌نویسد:

درعین حال ایالت به‌طور قطع متقین است که آمریکایی‌ها دربین اکراد تبلیغاتی می‌نمایند و لیکن مدرک کتبی در دست نیست و درهرحال این ایالت اقامت آن‌ها را در نقطه سرحدی مثل مه‌باد میان اکراد، که هنوز کردستان آذربایجان کاملاً خلع سلاح نشده است، به‌صلاح نمی‌داند و به همین دلیل، عقیده این‌جانب این است که کردستان آذربایجان را که عبارت از مه‌باد و بوکان و سلدوز و اشنویه باشد، باید منطقه ممنوعه اعلان نمود که مقرر شود هیچ اجنبی در این قسمت‌ها سکونت ننمایند و به اتباع خارجه حتی‌المقدور برای این قسمت ویزای ورود داده نشود (ساکما، سند ۳۱۰/۷۲۶۳۵، برگ ۱۷).

در جلسه دوم خرداد همان سال ریاست وزرا این مسئله را به عرض رضاشاه رسانید و رضاشاه نیز تأکید کرد تا با نظر ایالت غربی آذربایجان در آن زمینه موافقت شود (همان: برگ ۱۶). پس‌ازآن، دولت تلاش کرد تا با خرید عمارات و اراضی متعلق به میسیون در مه‌باد زمینه اخراج آن‌ها را فراهم آورد (همان: برگ ۱۴). در همین جهت، وزارت مالیه گروهی را مأمور ارزیابی قیمت املاک میسیون که درحدود ۱۲۲۵۰ متر مساحت داشت کرد. مولر، نماینده میسیون کردستان، مبلغ پیش‌نهادی دولت را، که حدود ۴۹۶۳۳ ریال بود، نپذیرفت و حتی در کمیسیون ارزیابی مجدد قیمت نیز شرکت نکرد و اعضای میسیون هر بار به‌بهانه‌ای حاضر به فروش املاک خود و ترک مه‌باد نبودند (همان: برگ ۸). تعلق اعضای میسیون در فروش املاک خود و ترک مه‌باد باعث شد تا وزارت داخله در هجدهم اردیبهشت سال ۱۳۱۶/۸ مه ۱۹۳۷ به ایالت غربی آذربایجان دستور دهد تا ظرف ده روز اعضای میسیون آمریکایی را از مه‌باد اخراج و معامله را «با مبلغ ارزیابی سابق انجام دهند» (ساکما، سند ۲۹۳/۴۵۵۱، برگ ۳۰، ۳۶). فشارهای مأموران حکومتی سرانجام باعث شد تا مولر و خانم گودهارت، آخرین اعضای میسیون آمریکایی، مه‌باد را ترک کنند و ایالت غربی آذربایجان از وزارت داخله خواست تا دیگر به‌هیچ‌وجه اجازه ورود این افراد و سایر اتباع خارجی به مناطق ممنوعه‌ای چون مه‌باد را ندهند (همان: برگ ۲۵). به این ترتیب، فعالیت میسیون کردستان در مه‌باد به‌پایان رسید، اما میسیون مذکور تا چهار سال بعد در نواحی دیگر ایران از قبیل تبریز، تهران، و آبادان به فعالیت ادامه دادند. سپس، در سال ۱۳۱۹ ش/۱۹۴۰ م، بنابه رسالتش که تبلیغ مسیحیت در کردستان بود، به‌کلی ایران را ترک و مرکزشان را به کردستان عراق و شهر اربیل انتقال دادند. در سال ۱۳۳۸ ش/۱۹۵۹ م با توجه به آن‌که در کشور عراق تمامی خارجی‌ها به خارج شدن از آن کشور ملزم شدند، میسیون کردستان بار دیگر به کردستان ایران و شهر پاوه آمدند. آن‌ها بیمارستانی را در پاوه

دایر کردند و با وقوع انقلاب ۱۳۵۷ ش / ۱۹۷۹ م به آمریکا بازگشتند و هنوز هم در آمریکا فعالیت دارند (قازی، ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۰، <<https://www.ruwange.biogspot.com>>).



تصویر ۱۲. هنری مولر و همسرش

## ۷. نتایج و آثار حضور میسیونرهای آمریکایی در ساوجبلاغ

همچنان‌که اشاره شد، هدف اصلی میسیونرهای آمریکایی از حضور و فعالیت در ساوجبلاغ هم‌چون سایر مناطق ایران تبلیغ دین مسیحیت و تشویق اهالی برای گرویدن به آن مذهب بود و تمامی فعالیت‌های آموزشی، پزشکی، خیریه، و... آن‌ها نیز با هدف تسهیل همین امر صورت می‌گرفت و آن‌ها موفقیت‌چندانی در این زمینه کسب نکردند، اما اقدامات و فعالیت‌های آن‌ها نتایج و دستاوردهای مثبتی را به‌هم‌راه داشت. تأسیس مدارس به‌شیوه جدید توسط میسیونرها نه تنها زمینه سوادآموزی و آشنایی برخی از جوانان ساوجبلاغی را با زبان‌های اروپایی فراهم ساخت، بلکه اهالی را تشویق به تأسیس مدارس جدید ساخت و به تسریع و گسترش آموزش نوین در ساوجبلاغ یاری رساند. هم‌چنین، تلاش میسیونرها و علی‌الخصوص شخص فاسوم برای ترجمه انجیل و متون مذهبی به زبان کردی و نگارش دستور زبان کردی باعث ترویج بیش‌تر نوشتن متون به آن زبان در ساوجبلاغ شد.

ازسوی‌دیگر، در شرایطی که اهالی ساوجبلاغ به‌نبود مراکز پزشکی و بهداشتی گرفتار بودند، میسیونرها با احداث درمانگاه، بیمارستان، و یتیم‌خانه خدمات شایانی را به اهالی ارائه

دادند. این مسئله که خدمات درمانی آنها تنها منحصر به افراد حکومتی و بزرگان نبود، بلکه تمامی اقشار جامعه حتی بیماران جذامی را در بر می گرفت، باعث شد تا بعدها اهالی ساوجبلاغ خاطرات خوبی از پزشکان میسیونر داشته باشند و از آنها به خوبی یاد کنند (صمدی ۱۳۷۳: ۳۹۶). شایان ذکر است گزارش‌های فراوان میسیونرها از اوضاع ساوجبلاغ و سایر مناطق مکریان و ارسال و چاپ آنها در ماهنامه کردستان میسنری ماهنامه مذکور را به یکی از منابع ارزشمند برای آگاهی از اوضاع سیاسی، اجتماعی، و... مکریان تبدیل کرده است. در واقع، باتوجه به کمبود منابع و اسناد مرتبط با تاریخ مکریان در دوره معاصر میسیونرهای آمریکایی با انتشار ماهنامه کردستان میسنری خدمت ارزشمندی به روشن ساختن تاریخ مکریان در اواخر دوره قاجار و دوران رضاشاه کرده‌اند.

## ۸. نتیجه گیری

در دوره قاجار گروه‌های مختلف میسنوری در نقاط مختلف ایران فعالیت می کردند. سکونت اقلیت‌های مذهبی در ولایت مکر، موقعیت مرزی و تجاری شهر ساوجبلاغ، مرکز آن ولایت، و تلاش برای ترویج آیین مسیحیت در میان کردها سبب شد تا آن منطقه مورد توجه میسیونرهای مسیحی قرار گیرد. میسیونرهای لوتری آمریکایی، موسوم به میسیون کردستان، یکی از فعال‌ترین گروه‌های میسنوری بودند که به صورت گسترده و برنامه‌ریزی شده در سه دوره مختلف شروع به فعالیت در ساوجبلاغ کردند. فعالیت‌های تبلیغی آنها در میان کردها و اقداماتی چون ترجمه/تجیل و سایر متون مذهبی به زبان کردی و تلاش برای پخش آنها در میان اهالی نشان‌دهنده آن است که هدف اصلی میسیونرهای آمریکایی از تأسیس مرکز میسنوری در ساوجبلاغ نه تنها تلاش برای ترویج مذهب پروتستان در میان اقلیت‌های مذهبی، بلکه تبلیغ دین مسیحیت در میان اهالی مسلمان ولایت مکر نیز بوده است. در همین جهت، آنها برای جلوگیری از تحریک احساسات دینی اهالی اهداف تبلیغی خود را در قالب ارائه خدمات آموزشی و فرهنگی نظیر تأسیس مدارس به سبک جدید و همچنین خدمات درمانی و بهداشتی و خیریه نظیر تأسیس درمانگاه و یتیم‌خانه سازمان‌دهی کرده بودند. واکنش اهالی ساوجبلاغ به ورود و فعالیت‌های میسیونرها متفاوت بود، در حالی که در ابتدا ورود میسیونرها و فعالیت‌های تبلیغی آنها با مخالفت اهالی و علی‌الخصوص علما و روحانیان محلی روبه‌رو و باعث

به وجود آمدن مشکلاتی برای آنها شد، اما به مرور زمان و با گسترش فعالیت‌های پزشکی و خدماتی و تأسیس بیمارستان و یتیم‌خانه نه تنها از میزان مخالفت‌ها کاسته شد، بلکه از حضور و فعالیت‌های آنها علی‌الخصوص در دور دوم و سوم فعالیت‌هایشان استقبال شد. در پایان، باید گفت میزان موفقیت میسیونرهای آمریکایی در زمینه تبلیغ و ترویج دین مسیحیت در میان اهالی ساوجبلاغ بسیار ناچیز و کوشش آنها در این زمینه با شکست مواجه گردید، اما آنها با تأسیس مدارس به سبک جدید زمینه را برای گسترش آموزش نوین در ساوجبلاغ فراهم ساختند و با تأسیس بیمارستان و یتیم‌خانه خدمات شایانی را به اهالی ارائه دادند.

### پی‌نوشت‌ها

۱. ولایت مکرری منطبق با جنوب استان آذربایجان غربی است و در گذشته شامل شهرهای ساوجبلاغ (مهاباد)، سردشت، لاهیجان (پیرانشهر)، بوکان، سلدوز (نقده)، اشنویه، و میان‌دوآب می‌شد. از این ولایت، تحت‌نام‌های کردستان مکرری و مکریان هم نام می‌برند.
۲. تمام مطالب ترجمه شده ماهنامه کردستان میسنری به زبان کردی توسط آقای حسن قاضی در سایت روانگه، جزء مطالب بایگانی سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ م به آدرس (<http://www.ruwange.blogspot.com>) موجود و در این پژوهش نیز از این ترجمه‌ها استفاده شده است.
۳. مصطفی شوقی قاضی‌زاده، پسر عبداللطیف قاضی، در ساوجبلاغ نزد اعضای میسیون کردستان زبان انگلیسی خواند. سپس، برای ادامه تحصیلات به استانبول رفت. مصطفی شوقی در استانبول با روزنامه هه‌تاوی کورد همکاری داشت.
۴. الکساندر ایاس کنسول روس در ساوجبلاغ بود. این فرد در اوایل جنگ جهانی اول در جنگی که بین روسیه و عثمانی در میان‌دوآب روی داد کشته شد.
۵. اعضای میسیون کردستان در سال ۱۳۰۸ ش / ۱۹۲۹ م جنازه کشیش باشیمون را به گورستان مسیحیان در تبریز انتقال دادند (قازی، ۱ اکتبر ۲۰۱۰، <https://ruwange.blogspot.com>).
۶. خانم آگوستا و گودهارت بیش از همه میسیونرهای دیگر در میسیون کردستان در ساوجبلاغ خدمت کرد. او از ابتدای شروع کار میسیون کردستان در سال ۱۳۲۹ تا تعطیل شدن آن در سال ۱۳۱۴ ش / ۱۳۴۸ ق در ساوجبلاغ حضور داشت. پس‌از آن نیز تا پایان کار میسیون در ایران ماند. دکتر امیر حسن‌پور در سال ۱۹۷۷ م / ۱۳۵۶ ش در آمریکا با وی دیدار کرد (قازی، ۲۰۰۹، <https://ruwange.blogspot.com>).

میسون کردستان: بررسی فعالیت میسیونرهای لوتری ... (کامران ثنایی و حسین رسولی) ۷۳

۷. ماهنامه لوتران اورینت میهن تا سال ۱۹۶۳ م / ۱۳۴۲ ش منتشر شد. پس از آن، نام ماهنامه میسیون کردستان به مسنجر (Messenger) تغییر یافت و این مجله نیز تا سال ۱۹۷۱ م / ۱۳۵۰ ش به فعالیت ادامه داد (قازی، ۱۶ اوت ۲۰۰۹، <<https://ruwange.blogspot.com>>).

۸. نام ساوجبلاغ در سال ۱۳۱۴ ش به مهباد تغییر یافت.

## کتابنامه

اصفهان، عبدالرزاق (۱۳۹۱)، ارومیه، اشنویه، و رواندوز در ۱۲۲۰ هجری قمری، به کوشش رحیم اشنویی محمودزاده، تهران: توکلی.

الدر، جان (۱۳۳۳)، تاریخ میسیون آمریکایی در ایران، ترجمه سهیل آذری، تهران: نورجهان.  
اوبن، اوژن (۱۳۶۲)، ایران امروز (۱۹۰۷-۱۹۰۶)، ترجمه و حواشی و توضیحات از علی اصغر سعیدی، بی جا: نقش جهان.

بهبودی، هدایت الله (۱۳۸۹)، روزشمار تاریخ معاصر ایران، ج ۳، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی.

خورشیدباشا (۲۰۰۸)، رحلة الحدود بين الدولة العثمانية و ایران، ترجمه و تقدیم مصطفی زهران، قاهره: المركز القومي للترجمة.

دمورگان، ژاک (بی تا)، هیئت علمی فرانسه در ایران، ج ۱ و ۲، ترجمه و توضیح کاظم ودیعی، تبریز: چهر.

ساکما (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران)، سند ۲۹۳/۴۵۵۱؛ ۲۹۷/۵۳۵۹؛ ۳۱۰/۷۲۶۳۵.  
ساوخ (اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه)، سند سال ۱۳۳۰ ق، کارتن ۲۲، پوشه ۲۴، ش ۱۲، ش ۱۸.

صمدی، سیدمحمد (۱۳۷۳)، تاریخ مهباد، مهباد: رهرو.

قازی، حسن (۲۰۰۹)، کومهله مقالاتیک سبهارمت به مسیونی لوتیری نهمریکا له سابلاغ که له نیوان سالهکانی ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۰ له سایتی روانگه بلاو بونهوه:

<<https://www.ruwange.blogspot.com>>.

کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۸۰)، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی.

گوشاری کوردستان میسنتری (۱۹۱۰-۱۹۲۸)، مانگنامه میسیون کوردستان (مسیونی لوتیری نهمریکا له سابلاغ) سالی ۲، ژماره ۲، نوامبری ۱۹۱۱؛ سالی ۳، ژماره ۳، مهی ۱۹۱۲؛ سالی

۳. ژماره ۹، ژوئنی ۱۹۱۲؛ سالی ۶، ژماره ۱۱، ئوتی ۱۹۱۵؛ سالی ۱۱، ژماره ۱۲، دیسامبری ۱۹۲۰؛ سالی ۱۲، ژماره ۱۰، ئوکتوبری ۱۹۲۱؛ سالی ۱۲، ژماره ۱۲، دیسامبری ۱۹۲۱؛ سالی ۱۳، ژماره ۲، فیورییهی ۱۹۲۲؛ سالی ۱۵، ژماره ۶، ژوئنی ۱۹۲۴؛ سالی ۱۵، ژماره ۸، ئوتی ۱۹۲۴؛ سالی ۱۶، ژماره ۴، ئاوریلی ۱۹۲۵؛ سالی ۱۷، ژماره ۷، ژوئییهی ۱۹۲۶؛ سالی ۱۷، ژماره ۸، ئوتی ۱۹۲۶؛ سالی ۱۷، ژماره ۹، سئیتامبری ۱۹۲۶؛ سالی ۱۸، ژماره ۶، ژوئنی ۱۹۲۷؛ سالی ۱۸، ژماره ۹، سئیتامبری ۱۹۲۷؛ سالی ۱۹، ژماره ۱، ژانوییهی ۱۹۲۸؛ سالی ۱۹، ژماره ۶، ژوئنی ۱۹۲۸؛ وەرگیران له ئینگلیسی بو کوردی: حهسهن قازی، وەرگیراو له سایتی:

<<https://ruwange.blogspot.com>>.

گوڤقاری لوتیران نوریانت میشتین (۱۹۲۹-۱۹۶۳)؛ دو مانگنامهی مسیونی کوردستان (مسیونی لوتیری ئەمریکا له سابلاغ) سالی ۲۳، ژماره ۳، مهی ۱۹۳۲؛ سالی ۲۴، ژماره ۶، نووامبری ۱۹۳۳؛ سالی ۲۶، ژماره ۱، ژانوییهی ۱۹۳۵؛ سالی ۲۷، ژماره ۳، مهی ۱۹۳۶؛ سالی ۲۹، ژماره ۲، مارس ۱۹۳۸؛ وەرگیران له ئینگلیسی بو کوردی: حهسهن قازی، وەرگیراو له سایتی:

<<https://ruwange.blogspot.com>>.

نادر میرزا (۱۳۶۰)، *تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز، مقدمه و شرح و تعلیقات و تنظیم فهرستهای لازم از محمد مشیری، تهران: اقبال.*  
والدبورگر، آندراس (۱۳۷۹)، *مبلغان آلمانی در ایران، ترجمه علی رحمانی، حسین رضوی، و لادن مختاری، تهران: وزارت امور خارجه.*

Pfeiffer, I. (1852), *A Woman's Journey Round the World; from Vienna to Brazil, Chili, Tahiti, China, Hindostan, Persia, and Asia Minor, An Unabridged with Tinted Engravings*, London: Ingram, Cooke, and co.

Rawlinson, H. C. (1840), "Notes on a Journey from Tabríz, Through Persian Kurdistán, to the Ruins of TakhtiSoleimán, and from Thence by Zenján and Tárom, to Gilán, in October and November 1838; With a Memoir on the Site of the Atropatenian Ecbatana", *The Journal of the Royal Geographical Society of London*, vol. 10.

Wagner, M. (1856), *Travels in Persia, Georgia and Koordistan whith Sketches of the Cossacks and the Caucasus*, vol. III, London: Hurst and Blackett.